



بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی

دکتر محمدعلی بشارت*، محمد علی نژاد**، دکتر علی اصغر احمدی***

چکیده

هدف: در این بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی مورد بررسی قرار گرفت. **روش:** آزمودنی‌های پژوهش ۱۲۰ دانشجوی ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه تهران (۶۰ پسر، ۶۰ دختر) بودند که به‌عنوان نمونه پژوهش به‌طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش را مقیاس سبک دلبستگی بزرگسال و مقیاس مشکلات میان فردی تشکیل می‌دادند. در این پژوهش روش آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون توکی به‌کار برده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن، مشکلات بین شخصی کمتری داشتند. همچنین میزان مشکلات آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی از میزان مشکلات بین شخصی آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی دوسوگرا کمتر است. **نتیجه:** یافته‌های پژوهش بر اصالت دلبستگی ایمن به‌منزله یک نیاز نخستین و انتقال میان‌نسلی آن اشاره دارد.

Andeeshch
Va
Raftar
اندیشه و رفتار

۷۴

کلید واژه: سبک دلبستگی، مشکلات بین شخصی، مقیاس دلبستگی، مقیاس مشکلات بین شخصی

مقدمه

از پیوندهای عاطفی و روابط بین شخصی تعیین می‌کنند. پیرو پژوهش‌های بالبی، اینزورث^۱، بلهر^۲، واترز^۳ و وال^۴ (۱۹۸۷) سه سبک دلبستگی ایمن^۵، اجتنابی^۶ و دوسوگرا^۷ را تشخیص دادند. استمرار سبک دلبستگی در فرایند تحول، موضوع پژوهش‌های جدید در این

بالبی^۱ (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰) فرایند شکل‌گیری دلبستگی^۲ (پیوند عاطفی) نوزاد به مادر را تشریح کرد و نشان داد که چگونه سامانه (سیستم) احساسات و رفتارهای دلبستگی ماهیت تصورات و تجربه‌های فرد را

* دکترای تخصصی روان‌شناسی بالینی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، گروه روان‌شناسی. صندوق پستی ۶۴۵۶-۱۴۱۵۵ (نویسنده مسئول).

** کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی. تهران، بزرگراه جلال آل احمد، رویروی کوی نصر، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

*** دکترای روان‌شناسی، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران. تهران، صندوق پستی ۶۴۵۶-۱۴۱۵۵.

1- Bowlby
4- Blehar
7- secure

2- attachment
5- Waters
8- avoidant

3- Ainsworth
6- Wall
9- ambivalent

بررسی حاضر از نوع توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش را مجموع ۷۴۹۳ دانشجوی کارشناسی ساکن خوابگاه‌های دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۹ تشکیل می‌دهد. نمونه مورد بررسی در دو مرحله و به صورت تصادفی از جامعه پژوهش انتخاب شدند. در مرحله اول، دو خوابگاه دانشگاه دانشجویی از میان خوابگاه‌های دخترانه (خوابگاه شماره ۵ فاطمیه) و پسرانه (خوابگاه شماره ۲۲ کوی دانشگاه) انتخاب شدند. سپس ۱۲۰ دانشجو (۶۰ دختر، ۶۰ پسر) به عنوان نمونه پژوهش مقیاس دلبستگی بزرگسال^{۱۸} و مقیاس مشکلات بین شخصی^{۱۹} را به ترتیب اجرا کردند. تکمیل پرسشنامه‌ها نخست در خوابگاه شماره ۲۲ و سپس در خوابگاه شماره ۵ انجام شد. به دانشجویان گفته شد که هدف از پژوهش، بررسی نوع نگرش‌ها و احساس‌های آن‌ها در روابط بین شخصی می‌باشد. همچنین از دانشجویان خواسته شد کلیه ماده‌های آزمون‌ها را به دقت بخوانند، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنند و هیچ پرسشی را بدون پاسخ نگذارند.

ابزارهای سنجش این بررسی عبارت بودند از:

- ۱) مقیاس دلبستگی بزرگسال: سبک دلبستگی آزمودنی‌ها در این پژوهش به کمک مقیاس دلبستگی بزرگسال تعیین شد. این مقیاس که با بهره‌گیری از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و روی دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۷۹)، دارای دو بخش است: بخش نخست سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به کمک

زمینه بوده و نتایج به دست آمده این استمرار را تأیید می‌کنند (مین^۱، کاپلان^۲ و کسیدی^۳، ۱۹۸۵). ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین شخصی به گونه‌ای عمیق از سبک دلبستگی اشخاص تأثیر می‌پذیرند. بنابر نتایج پژوهش‌ها، دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین تری از صمیمیت و تعهد، و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (فینی^۴ و نولر^۵، ۱۹۹۰). افراد اجتنابی بیش از دوسوگراها به پایان بخشیدن روابط تمایل نشان می‌دهند (فینی و نولر، ۱۹۹۰؛ هازن^۶ و شیور^۷، ۱۹۸۷). در پی انحلال روابط پیشین، بازسازی روابط جدید نیز برحسب الگوی دلبستگی فرد متفاوت است. اجتنابگرها با ازمیان رفتن یک رابطه کمتر از دوسوگراها مضطرب و پریشان می‌شوند (سیمسون^۸، ۱۹۹۰). گروه اخیر به سرعت به برقراری روابط جدید اقدام می‌کنند (فینی و نولر، ۱۹۹۰).

یافته‌های بررسی هرویتز^۹، روزنبرگ^{۱۰}، بارتولمو^{۱۱}، ۱۹۹۳، هرویتز، لاک^{۱۲}، سورس^{۱۳}، ویکار^{۱۴}، درایر^{۱۵}، تارنو^{۱۶} و گانام^{۱۷}، (۱۹۹۱) نیز نشان داده‌اند که شکل‌های مختلف مشکلات بین شخصی با سبک‌های متفاوت دلبستگی مطابقت دارد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین شخصی می‌باشد.

فرضیه‌های بررسی حاضر عبارت بودند از: ۱- بین سبک‌های دلبستگی دانشجویان و مشکلات بین شخصی آن‌ها رابطه وجود دارد. ۲- میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک دلبستگی ایمن کمتر از میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) است. ۳- میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک دلبستگی اجتنابی کمتر از میزان مشکلات بین شخصی دانشجویان دارای سبک دلبستگی دوسوگرا است.

- | | |
|---|---------------|
| 1- Main | 2- Kaplan |
| 3- Cassidy | 4- Feeney |
| 5- Noller | 6- Hzana |
| 7- Shaver | 8- Simpson |
| 9- Horowitz | 10- Rosenberg |
| 11- Bartholomew | 12- Locke |
| 13- Morse | 14- Waikar |
| 15- Dryer | 16- Tarnow |
| 17- Ghannam | |
| 18- Adult Attachment Inventory | |
| 19- Inventory of Interpersonal Problems | |

۱۲۷ سؤالی است و مشکلات بین شخصی را در شش زمینه قاطعیت^۳، مردم آمیزی^۴، سلطه پذیری^۵، صمیمیت^۶، مسئولیت پذیری^۷ و مهارگری^۸، در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت می‌سنجد (هرویتز، روزنبرگ، بائر^۹، آرنو^{۱۰} و ویلاسنور^{۱۱}، ۱۹۸۸). برای هر آزمودنی افزون بر شش زیرمقیاس پیش گفته، یک نمره کلی در زمینه مشکلات بین شخصی محاسبه می‌شود. در فرم ایرانی این مقیاس (بشارت، ۱۳۷۹)، ضریب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از زیرمقیاس‌ها برای کل آزمودنی‌ها (n=۳۰) به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۲، ۰/۹۱، ۰/۹۳، ۰/۸۵، ۰/۸۷ بود که بیانگر همسانی درونی خوب مقیاس می‌باشد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $r=0/93$ می‌باشد.

اعتبار مقیاس مشکلات بین شخصی از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین نمره کل آزمودنی‌ها با مقیاس عزت نفس کوپراسمیت (کوپراسمیت، ۱۹۶۷) در مورد ۶۰ دانشجو تعیین شده است (بشارت، ۱۳۷۹). ضرایب همبستگی بین نمره آزمودنی‌ها در عزت نفس با مشکلات بین شخصی نشان‌دهنده همبستگی منفی مشکلات بین شخصی با عزت نفس می‌باشد. این ضرایب برای دانشجویان $0/45-$ بود.

یافته‌ها

میانگین سنی آزمودنی‌های پسر ۲۵ سال (انحراف معیار ۲/۶ و دامنه ۲۰-۳۰ سال) و میانگین سنی آزمودنی‌های دختر ۲۲ سال (انحراف معیار ۱/۷ و دامنه ۱۹-۲۶ سال) بود.

این بررسی نشان داد که $63/3\%$ (۳۸ نفر) از آزمودنی‌های پسر سبک دل‌بستگی ایمن، $23/3\%$ (۱۴ نفر)

۲۱ ماده در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هیچ=۱؛ کم=۲؛ متوسط=۳؛ زیاد=۴؛ خیلی زیاد=۵) را می‌سنجد. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد ۲۴۰ دانشجو (بشارت، ۱۳۷۹) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۷۲، برای دانشجویان دختر ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۶۹ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۷۲ گزارش شده است که نشانه همسانی درونی مقیاس دل‌بستگی بزرگسال می‌باشد. در بخش دوم، آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه‌ای که سه نوع دل‌بستگی را توصیف می‌کنند، سبک دل‌بستگی خود را مشخص می‌کند. ضریب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو قسمت پرسشنامه برای آزمودنی‌های دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۷ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس دل‌بستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله ۲ هفته برای کل آزمودنی‌ها $0/92$ ؛ آزمودنی‌های پسر $0/93$ و آزمودنی‌های دختر $0/90$ بوده است.

اعتبار محتوایی مقیاس بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های چهار نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده، ضرایب همبستگی از $0/73$ تا $0/76$ برای سبک دل‌بستگی ایمن، از $0/60$ تا $0/76$ برای سبک دل‌بستگی اجتنابی و از $0/63$ تا $0/87$ برای سبک دل‌بستگی دوسوگرا محاسبه شد.

اعتبار همزمان مقیاس دل‌بستگی بزرگسال با مقایسه نتایج آزمون عزت نفس^۱ کوپراسمیت^۱ (۱۹۶۷) بررسی شد. ضرایب همبستگی بین نمره کلی آزمودنی‌ها در آزمون عزت نفس با سبک دل‌بستگی نشان‌دهنده همبستگی مثبت میان سبک دل‌بستگی ایمن با عزت نفس عمومی ($r=0/39$)، عزت نفس تحصیلی ($r=0/39$)، عزت نفس خانوادگی ($r=0/39$) و عزت نفس اجتماعی ($r=0/41$) بود.

- | | |
|-------------------|-----------------|
| 1- self-esteem | 2- Cooper Smith |
| 3- assertivness | 4- sociability |
| 5- submissiveness | 6- intimacy |
| 7- responsibility | 8- controlling |
| 9- Baer | 10- Ureno |
| 11- Villasenor | |

$F=187/18$ ؛ مردم آمیزی: $P<0/001$ ، $df=10117$ ،
 $F=227/7$ ؛ سلطه پذیری: $P<0/001$ ، $df=10117$ ،
 $F=49/88$ ؛ صمیمیت: $P<0/001$ ، $df=10117$ ،
 $F=71/76$ ؛ مسئولیت پذیری: $P<0/001$ ، $df=10117$ ،
 $F=63/68$ ؛ مهارگری: $P<0/001$ ، $df=10117$ ،
 $(F=46/15)$.

برای بررسی این موضوع که کدام یک از سه سبک دلبستگی با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند آزمون توکی به کار برده شد. خلاصه نتایج آزمون توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در مورد زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخصی بر حسب سبک‌های دلبستگی نشان داد که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با آزمودنی‌های دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به صورت معنی دار از مشکلات بین شخصی کمتری رنج می‌برند. مقایسه تفاوت میانگین نمره‌های آزمودنی‌های دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در مورد مشکلات بین شخصی به کمک آزمون تعقیبی توکی نیز نشان داد که این تفاوت‌ها به سود آزمودنی‌های اجتنابگر از نظر آماری معنی دار می‌باشند.

نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه تأثیر سبک دلبستگی آزمودنی‌ها بر مشکلات بین شخصی آن‌ها در سطح کلی نشان داد که تفاوت میانگین نمره کلی مشکلات بین شخصی آزمودنی‌ها بر حسب سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا از نظر آماری معنی دار است (جدول ۲).

اجتنابگر و $13/3\%$ (۸ نفر) دوسوگرا می‌باشند. هم‌چنین $61/7\%$ از آزمودنی‌های دختر (۳۷ نفر) سبک دلبستگی ایمن، $21/7\%$ (۱۳ نفر) اجتنابگر و $16/7\%$ (۱۰ نفر) دوسوگرا هستند.

جدول ۱ نتایج مربوط به میانگین و انحراف معیار مشکلات بین شخصی آزمودنی‌ها را بر حسب سبک دلبستگی آن‌ها نشان می‌دهد. طبق این یافته‌ها میانگین نمره‌های آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی دوسوگرا از میانگین نمره‌های آزمودنی‌های ایمن و اجتنابی در مورد مشکلات مربوط به قاطعیت، مردم‌آمیزی، سلطه‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری بالاتر است.

مقایسه آزمودنی‌های دختر و پسر نشان داد که بین دو گروه از نظر سبک دلبستگی و مشکلات بین شخصی تفاوت معنی دار وجود ندارد. برای مقایسه رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات بین شخصی و بررسی تفاوت میان این سه سبک (دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی به کار برده شد.

خلاصه نتایج تحلیل واریانس مربوط به رابطه میان دلبستگی آزمودنی‌ها و مشکلات بین شخصی آن‌ها در مورد قاطعیت، مردم‌آمیزی، سلطه‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری نشان داد که تفاوت میانگین نمره‌های آزمودنی‌های دارای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در همه زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخصی از نظر آماری معنی دار می‌باشند (قاطعیت: $P<0/001$ ، $df=10171$).

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار مشکلات بین شخصی بر حسب سبک دلبستگی

سبک دلبستگی مشکلات بین شخصی	ایمن		اجتنابی		دوسوگرا	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
قاطعیت	۱/۰۷	۰/۳۸	۲/۱	۰/۴۱	۲/۷۶	۰/۲۵
مردم‌آمیزی	۰/۹۵	۰/۳۵	۲/۰۴	۰/۳۸	۲/۷۸	۰/۴
سلطه‌پذیری	۱/۴۵	۰/۵۸	۲/۱۴	۰/۵۴	۲/۷۷	۰/۳۴
صمیمیت	۰/۹۸	۰/۵۷	۱/۷۵	۰/۴۷	۲/۶	۰/۵۶
مسئولیت‌پذیری	۱/۱۸	۰/۵۵	۲/۰۵	۰/۶۱	۲/۶۸	۰/۵۱
مهارگری	۱/۱۷	۰/۴۹	۱/۸۳	۰/۷	۲/۴۹	۰/۵۸
کل	۱/۲۶	۰/۴۵	۱/۷۸	۰/۴۷	۲/۳۲	۰/۴۸

منبع تغییر	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۲	۱۸/۱۷	۹/۰۸	۴۳/۷۷	۰/۰۰۱
درون گروهی	۱۱۷	۲۴/۲۸	۰/۲۰۸		
کل	۱۱۹	۴۲/۴۵			

بحث

نتایج این پژوهش نشان داد که ۶۲/۵٪ از کل آزمودنی‌ها دارای سبک دلبستگی ایمن، ۲۲/۵٪ اجتنابگر و ۱۵٪ از آزمودنی‌ها دوسوگرا می‌باشند. این نتایج با یافته‌های پژوهشی شیور، هازن و برادشاو^۱ (۱۹۸۸)، کسیدی و برلین^۲ (۱۹۹۴)، هازن و شیور (۱۹۸۷) که ۷۰-۶۵٪ از جمعیت کلی را دارای سبک دلبستگی ایمن، ۲۵-۱۵٪ اجتنابی و ۱۵-۷٪ را دوسوگرا گزارش کرده‌اند همسویی دارد. همسویی یافته‌ها در زمینه چگونگی توزیع سبک‌های دلبستگی در فرهنگ‌های متفاوت را می‌توان براساس دو احتمال تبیین کرد. اول آن‌که، دلبستگی به‌عنوان یک نیاز نخستین (بالبی، ۱۹۷۳) آمادگی‌های زیستی لازم را در زمینه رفتارهای دلبستگی در دوسوی این رابطه، یعنی کودک و مادر، فراهم می‌سازد.

دوم آن‌که، درحالی‌که متغیرهای زیست‌شناختی، ارزش‌های حیاتی و تعامل سازنده زوج کودک-مادر در خدمت شکل‌گیری و تقویت دلبستگی ایمن فعالیت می‌کنند، فراهم آمدن شرایطی که براساس آن آمادگی‌های زیستی در هر دو سوی رابطه مختل شوند و مهم‌تر از آن ارزش حیاتی و رفتارهای دلبستگی ایمن کاهش یابند، همواره دشوار و نادر خواهد بود. این وضعیت، کاهش فراوانی سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) را توجیه می‌کند.

در راستای تأیید فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، یافته‌ها نشان داد که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی

جدول ۳ نتایج آزمون توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمره کلی مشکلات بین شخصی آزمودنی‌ها را بر حسب سبک‌های دلبستگی آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج آزمون توکی برای مقایسه تفاوت میانگین نمره کلی مشکلات بین شخصی بر حسب سبک‌های دلبستگی

میانگین‌ها	سبک‌های دلبستگی	ایمن	دوسوگرا	اجتنابی
۱/۲۶	ایمن	۱/۰۵۴*	۰/۵۱۶۵*	
۲/۳۲	دوسوگرا		۰/۵۳۷۴*	
۱/۷۸	اجتنابی			

* $P < 0.05$ HSD=۰/۲۸۹ برای $P < 0.05$

مقایسه میانگین نمره کلی مشکلات بین شخصی بر حسب سبک دلبستگی نشان می‌دهد که پایین‌ترین میانگین مشکلات بین شخصی به آزمودنی‌های ایمن ($M=1/26$) و بالاترین میانگین مشکلات بین شخصی به ترتیب دوسوگرا ($M=2/32$) و اجتنابگر ($M=1/78$) مربوط می‌شود. از این‌رو آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی دوسوگرا نسبت به سایر آزمودنی‌ها از مشکلات بین شخصی بیشتر رنج می‌برند.

نتایج آزمون توکی نشان می‌دهد که تفاوت میان میانگین نمره کلی مشکلات بین شخصی بر حسب سبک دلبستگی برای هر سه سبک ایمن، اجتنابی و دوسوگرا از نظر آماری معنی‌دار است ($P < 0.05$).

پریشانی و درماندگی که به نوبه خود بر حسب تجربه‌های نامطلوب، به احساسات حقارت و اضطراب شخص دامن می‌زند، ناتوانی وی را در ایجاد روابط بین‌شخصی سالم و در نتیجه افزایش مشکلات بین‌شخصی توجیه می‌کند.

افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن در مقایسه با افراد ایمن از قدرت اکتشاف‌گری و نزدیکی کمتر بهره‌مندند. (سروف^{۱۲} و واترز، ۱۹۸۳؛ کوبک^{۱۳} و سیری^{۱۴}، ۱۹۸۸؛ کسیدی، ۱۹۸۸).

نتایج این بررسی هم‌چنین نشان داد که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی در مقایسه با آزمودنی‌های دوسوگرا از مشکلات بین‌شخصی کمتری رنج می‌برند. چند تبیین احتمالی در مورد این یافته (که مؤید فرضیه سوم پژوهش نیز است) مطرح می‌شود. اجتناب‌گری، آرمانگرایی و اعتماد به خود جبرانی که از ویژگی‌های اصلی افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی (کوبک و سیری، ۱۹۸۸؛ میکولینسر، ۱۹۹۸) است به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با کناره‌گیری از موقعیت‌های تعارضی در روابط بین‌شخصی دارای مشکلات کمتری در مقایسه با دوسوگراها باشند. در نقطه مقابل ویژگی‌های اصلی دوسوگراها یعنی تردید، تعارض، تخصص، درماندگی، آشفتگی و تکانشوری (کسیدی و برلین، ۱۹۹۴؛ میکولینسر، ۱۹۹۸)، آن‌ها را به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار بهنجار در موقعیت‌های تنش‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌دهند. بدین ترتیب مشکلات بیشتر دوسوگراها در زمینه روابط بین‌شخصی در مقایسه با اجتناب‌گرها توجیه می‌شود.

ایمن در مقایسه با آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ناایمن «اجتنابی، دوسوگرا» مشکلات بین‌شخصی کمتری دارند. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های فینی و نولر (۱۹۹۰) و هازن و شیور (۱۹۸۰) مطابقت دارد. چند تبیین احتمالی برای این یافته مطرح می‌شود: اعتماد به خود و اعتماد به دیگران دو ویژگی اساسی افراد ایمن به‌شمار می‌رود (تیدول^۱، ریس^۲ و شیور، ۱۹۹۶؛ کیرک‌پاتریک^۳ و دیویس^۴، ۱۹۹۴؛ کسیدی، ۱۹۸۸). اعتماد به خود به‌عنوان یکی از مبانی درون‌روانی فردی که دارای دلبستگی ایمن می‌باشد به فرد این توانایی را می‌دهد که در روابط بین‌شخصی با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتر به تعامل بپردازد. اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود می‌باشد نیز وی را در جلب کمک دیگران یاری می‌رساند.

برخورداری از توان اکتشاف‌گری^۵ و جوارجویی^۶ دو ویژگی دیگر افراد دارای دلبستگی ایمن می‌باشد که می‌تواند یافته پیش را تبیین کند (کسیدی، ۱۹۸۸؛ میکولینسر^۷، ۱۹۹۸). توان اکتشاف‌گری، انعطاف‌پذیری و جسارت لازم را در روابط بین‌شخصی در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد. نزدیکی نیز به منزله یکی از نیازهای فرد ایمن که پیوسته در جستجوی ارضا می‌باشد به کمک نگرش‌های مثبت و دوسویه پس از روابط با دیگران و در کنار اکتشاف‌گری به مهارت‌های فرد در روابط بین‌شخصی می‌افزاید.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آزمودنی‌های دارای دلبستگی ناایمن بیش از آزمودنی‌های ایمن مشکلات بین‌شخصی دارند. این نتیجه نیز براساس چهار احتمال پیش‌گفته که در مورد آزمودنی‌های ناایمن به‌صورت معکوس صادق می‌باشد، تبیین می‌شود. فقدان اعتماد به خود و دیگران دو مشخصه اصلی افراد ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) است (گریفین^۸، بارتلومو، ۱۹۹۴؛ لوپز^۹، توماس^{۱۰} و ساگولا^{۱۱}، ۱۹۹۷). فقدان اعتماد به خود با تحلیل بنیادهای درون‌روانی، توان رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا را کاهش می‌دهد و درماندگی

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| 1- Tidwell | 2- Reis |
| 3- Kirkpatrick | 4- Davis |
| 5- exploratory behavior | 6- proximity seeking |
| 7- Mikulincer | 8- Griffin |
| 9- Lopez | 10- Thomas |
| 11- Sagula | 12- Sroufe |
| 13- Koback | 14- Sreey |

- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss*, Vol. 2. Separation, anxiety and anger. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss*, Vol. 3. loss. New York: Basic Books.
- Cassidy, J. (1988). Child-mother attachment and the self in six-year olds. *Child Development*, 59, 121-134.
- Cassidy, J., & Berlin, L. J. (1994). The insecure ambivalent pattern of attachment: Theory and research. *Child Development*, 65, 971-991.
- Coopersmith, S. (1967). *The assessment of self-esteem*. San Francisco. Freeman.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 282-292.
- Griffin, D., & Bartholomew, K. (1994). Models of the self and other fundamental dimensions underlying measures of attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 430-445.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 42, 511-542.
- Horowitz, L. M., Locke, K. D., Morse, M. B., Waikar, S. V., Dryer, D. C., Tarnow, E., & Ghannam, J. (1991). Self-derogation and the interpersonal theory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 68-79.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., & Bartholomew, K. (1993). Interpersonal problems, attachment styles and outcome in brief dynamic psychotherapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61, 548-560.

به طور کلی، توزیع فراوانی سبک‌های دلبستگی، بر اصالت دلبستگی ایمن به منزله یک نیاز نخستین و انتقال بین نسلی آن اشاره دارد. عدم تفاوت سبک‌های دلبستگی در آزمودنی‌های دختر و پسر افزون بر اصالت زیست‌شناختی دلبستگی، بر نقش تعیین‌کننده اوایل کودکی (مرحله عدم تمایز نقش‌های جنسی) و استمرار و پایداری سبک‌های دلبستگی دلالت می‌کند. توانمندی افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن در برقراری روابط بین‌شخصی سالم‌تر در مقایسه با افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، اهمیت و نقش سبک‌های دلبستگی را در حیطه روابط بین‌شخصی برجسته می‌سازد. از این دیدگاه، بهداشت روانی در زمینه روابط بین‌شخصی مستلزم فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری دلبستگی ایمن در چارچوب روابط کودک-مادر می‌باشد.

محدودیت‌های پژوهش احتیاط‌هایی را در مورد تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم یافته‌ها می‌طلبد. محدود شدن جامعه آماری به دانشجویان ساکن در خوابگاه‌ها، دردست‌نبودن هنجارهای مقیاس مشکلات بین‌شخصی برای نمونه‌های ایرانی و به‌کار نبردن روش‌های معتبرتر سنجش بالینی مانند مصاحبه از جمله محدودیت‌های پژوهش هستند.

منابع

- بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹). *ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (گزارش طرح پژوهشی).
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Tilsdale, N. J: Elbaum.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*, Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.

& Villasenor, V.S. (1988). Inventory of Interpersonal Problems: psychometric properties and clinical applications. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56, 885-892.

Krikpatrick, L.A., & Davis, K. E. (1994). Attachment style, gender and relationship stability: A longitudinal. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 502-512.

Koback, R.R., & Screey, A. (1988). Attachment in late adolescence working models. Affect regulation and representations of self and other. *Child Development*, 59, 135-146.

Lopez, F.G., Thomas, K., & Sagula, D. (1997). An attachment theoretical perspective on the use of splitting defense. *Counseling Psychology Quarterly*, 10, 461-472.

Main, M., Kaplan, N., & Cassidy, J. (1985). Security in infancy, childhood and adulthood: A move to the level of representation monographs of the society for research in child development. *Child Development*, 50, 66-104.

Mikulincer, M. (1998). Attachment working models and the sense of trust: An exploration of interaction goals and affect regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1209-1224.

Shaver, P., Hazan, C., & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioral systems. In R.J. Stenberg and M.L. Barnes (Eds.). *The Psychology of love*, (p.p.69-99). New Haven, CT: Yale University Press.

Simpson, J.A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 997-980.

Sroufe, L.A., & Waters, E. (1977). Attachment as an organization construct. *Child Development*, 48, 1148-1199.

Tidwell, C., Reis, H.T., & Shaver, P. (1996). Attachment, attractiveness and social interaction: A diary study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 729-745.